

یکدگرس از رو حیات اطفال

دقت

بقلم هاشم شائق

تعریف : دقت تمرکز نظر باطنی در شعور یا در خارج آنست. اگر چه موثرات متعددی در شعور اجرای تاثیر کنند ولی حالت شعور و خیرت ذهن مشغول همه این موثرات نمیشود. یعنی قبل از فراغت از یک تاثیر بتاثير ديگر مشغول شده نمیتواند. لهذا هر قدر که مشغولیت ذهن در یک چیز عمیق تر و صحیح تر شد، در ماهیت و شخصیت آن چیز وضوح و معرفت حاصل شود. پس مشغولیت ذهن بصورت صحیح روی یک چیز خواه داخلی باشد و خواه خارجی مشغولیت طبیعی ذهن است که عبارت از دقت میباشد بعبارت ديگر دقت (حال انحصار روح) را گویند.

در صورت انسان حین دقت بعضی علامات ظاهر شود که ارتباط عضوی : همین علامات را انطباق و ارتباط عضوی گویند. مثل اینکه چین و شکنج پیشانی هر گاه بخارج متوجه و مائل باشد؛ علامت دقت است. و اگر گره و چین در میان دوا برو ظهور کنند؛ علامت تأمل است. یعنی انسان صورت خود را در حین دقت و تأمل مربوط بهمین حالت روحیه میدارد. بین شنیدن و گوش کردن؛ شمیدن و بوی کردن؛ سودن و مالیدن؛ دیدن و نظر کردن؛ چشیدن و مزه دیدن؛ فرقی که هست از همین حس های با دقت و بی دقت نشئت کرده است. علامت دقت آنست که انسان در حین دقت حرکات خود را معطل میسازد.

چنانچه شاگردانی که بدرس معلم متوجه بشوند؛ سر ایا گوش و هوش خواهند ماند. حتی انسان در وقت دقت بعضاً صدای تنفس خود را نمیخواهد که بشنود. پس دقت سبب سکون و سکوت است نه سکون و سکوت سبب دقت. یعنی امر بسکوت و سکون را موجب دقت دانستن غلط است. علامت دیگر دقت در عضویت آنست که بسبب دقت دوران دم و تنفس تبدیل کند. یعنی دوران دم در حین دقت بدماغ هجوم کرده خنک خوردن دست و پا و سرخ شدن صورت و سیاهارا تولید کند. تبدیل تنفس بالخاصه در لایه ابرو و ریه حیات مشاهده میشود. کذا یکی از خواص دقت همین است که متناوب و منقطع و فاصله دار است.

(چنانچه تیک تیک ساعت را بعضاً نمی شنویم) و سیر دقیق در یک چیز آن چیز را برای یک لحظه از نظر مان کم میکند. چنانچه در یک چوکی نشسته باشیم بعضی اوقات کیفیت سختی و زمی چوکی را از ذهنمان بیرون می شود هکذا....

اهمیت دقت: در میان مواد مختلف حیات، انسان سرگردان و پویان است همین دقت است که مستریج و متسلی به یک حقیقت معین مربوط و ساکن میسازد. ^{کدام علوم انسان را و مطالعات در آن} دقت حیات حیات انسان را محیط منطبق و موافق و سازگار میدارد. دقت قدرتها را قوت عالی انسان را متصرف و صاحب هستی و معتمد بنفس میکند. کشفها ابجادهها و علمهای کامل در سایه دقت بوجود آمده. بالاخره دقت اراده را قوی میکند. اینست که گویند تریبه دقت تریبه اراده است.

(۱) علاقه است. اگر چه علاقه نظر بهر شخص مختلف اسباب و علت دقت: است. علاقه یک شخص بیک چیز بسته به تلقی و اهمیت آنست علاقه را از میان بردارید دقت هم خود بخود زائل می شود. سبب دیگر

دقت عدم اعتیاد و عدم انطباق است. انسان در معتاد خود دقت نمیکند و با موخته
والفت داشته خود توجه عمیق صرف نمی نماید. مگر غریب نازه و عجیب باشد در
زمین عموار و صاف هیچکس بدقت قدم نمی زند، مگر که نا هموار و گل و بلند
و پست باشد.

دقت اولاً بر دو قسم است. طوعی و تاامل (ارادی)
انواع دقت:

دقت طوعی دقت بدون جهد و بدون صرف قوت حاصل
شده را گویند. دقت تااملی و ارادی بر خلاف آنست. علامت دقت طوعی آنست
که مطابق میل و فائده شخصی خود بخود واقع شود ولی دقت ارادی در چیز
مشکل و میان دلائل مختلف ظهور کند. یعنی دقت ارادی در وقت اضطرار اجبر و
در وقت تردد میان انتخاب بروز نماید.

دقت طوعی با دوام تر است ولی دقت ارادی کمتر اعتدال دارد در اعتدال دقت
ارادی چاره آنست که موثرات دقت باید توالی یابد. یا علاقه پیدا کند و یا بدقت
طوعی منقلب شود. آنوقت دو امدار گردد. دهانیز همین دقت متوالی آنست.

تأیلاً دقت بحسی و فکری منقسم میشود. انسانی که طبعی باشیای حسنی مربوط
است و دقت فکری بتمثیل یعنی بیک صورت مشخص ذهنی تعلق میگیرد. دقت
فکری را بنام دقت فکری مشخص و دقت فکری مجرد نیز میتوان تقسیم کرد.
اینچنین اگر دقت بشی واحد تعلق گرفت: دقت متمرکز و اگر باشیای مختلف
تعلق پیدا کرد: دقت منقسم نام دارد. مثال اول شخصی که در یک موضوع معین
صحبت کند دقت ما را متمرکز کند و شخصی که راجع موضوعات مختلف اختلاط
نماید دقت قسم دوم ما را بکار اندازد یعنی دقت ما را منقسم بسازد.

این اقسام در حقیقت معنی توالی موضوع و تعدد دقت ما را لازم دارد یا موضوعات

مختلف را بیک نقطه ارجاع نماید. این کار بسیار آسان است و با دست راست
ناتاً دقت اگر بذاته بفعالیت آید: دقت بلا واسطه و اگر بواسطه تذرعی
کار کند: دقت اضافی یا مشتق میشود. اگر دقت مصروف داخل و باطن باشد
تفکر و تعامل و اگر متوجه بخارج شود مشاهده و استبصار نامند.

(۱) بعضی اوقات دقت ها یعنی بعضی اشخاص لا قید با چورنی
عوارض دقت: بوده دقتشان از يك نقطه بنقطه دیگر مرجهد و یا بیشتر

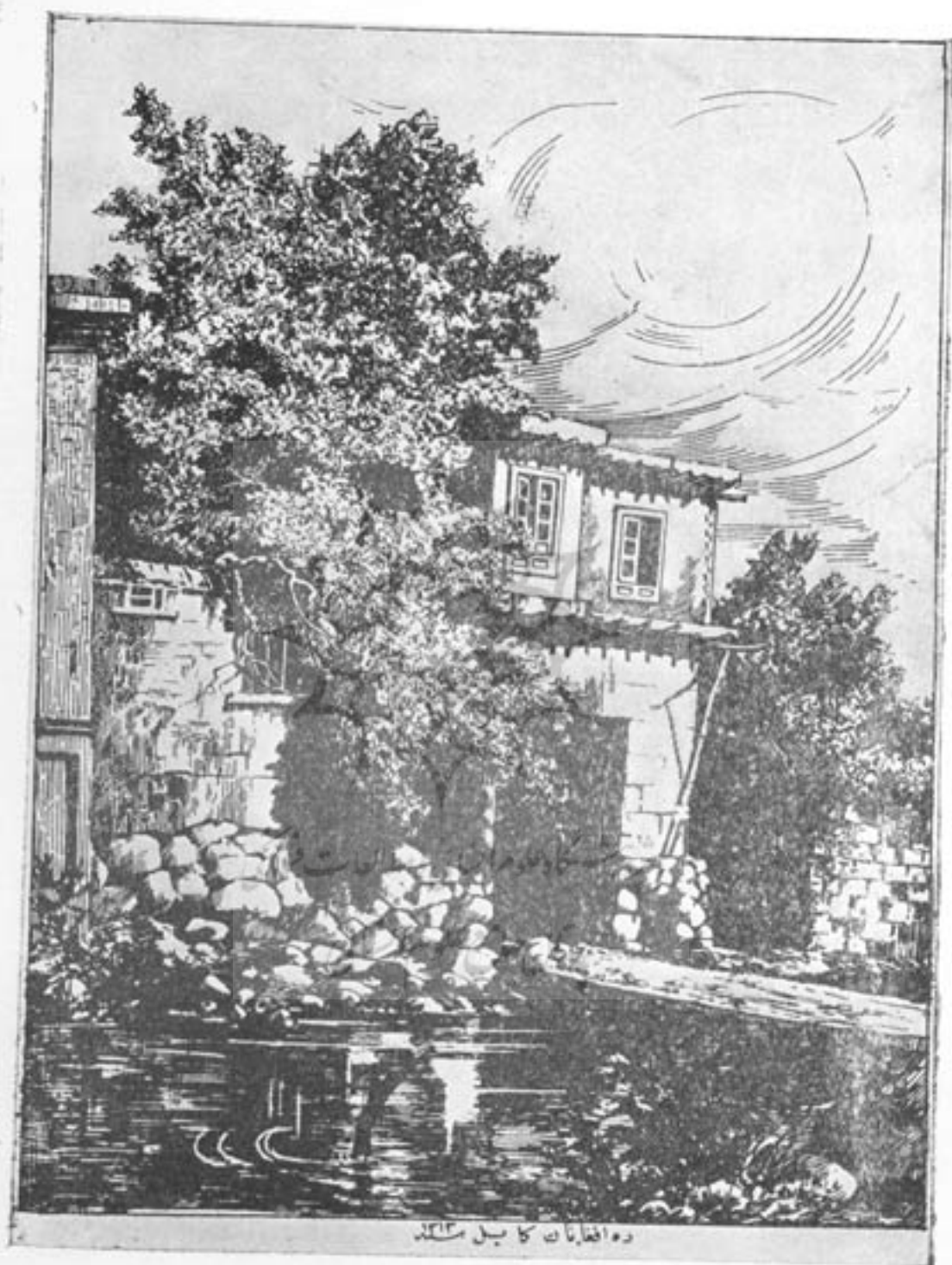
اوقات و یا در پس يك فکر یفتند و در آن باب انهك و رزند.

(۲) بعضی اشخاص در پس يك فکر همیشه مبتلا باشند: هر چه بکنند از همان
عینک خواهد بود.

(۳) بعضی اشخاص را میتوان گفت که احمق و محنون اند. در پس کار ناشدنی
و خلاف عقل پویان باشند. اگر این عوارض موقتی باشد از هوای حبس
و یا ماندگی زیاد نشئت کند. اما سه قسم اول درجه - درجه خرابی دقت را
تفسیر کند.

دقیقاً در پس يك فکر زیاده افتادن و یا همیشه مبتلای يك فکر بودن اکثر در جوانان
دیدم میشود ولی قسم اول ازین سه قسم اکثر در سال خوردگان عارض شود.
علاوه بر آن در اطفال بعضی اوقات بی دقتی مشاهده میشود. این عارضه از سبب
گوشتهای زیاد و در کلو و حلقوم و بینی پیدای شود بعد از عملیات صحت دقتشان
ظاهر شود.

چون علاقه طفل در هر دو ریحیات آن منحول کند ازین رو دقت آن نیز منحول
است پس در اوائل حال دقت طفل طوعی و رحسی میباشد. چنانچه در ابتدای حیات
دقت طفل متوجه چیزهای نورانی و جلادار است پس دقت آن بصری و سمعی و حرکی



دہ افغانانہ کا میل مسکن



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

است. دقت ارادی طفل در حین مشق قدم زدن ظهور کند. چونکه در بین وقت اضطراب حس نماید یکی از سبب های دقت ارادی در طفل همین تریبه و تلقین است. چنانچه قرائت بدون رضاء در طفل بواسطه دیدن رسم قشنگی طبع و رنگینی کاغذ و رنگ دلچسپ به نوشته کم کم بفعالیت آید.

مرا حل ظهور دقت: در اشکال دقت طفل (ریبو) سه مرحله ارائه کند: در ابتدا معلم به حسهای خود کاهانه 'ترس' هیجان و نحس طفل تکیه کرده دقتش را بکار اندازد در صفحه دوم عزت نفس رقابت و احتیاط آنرا برای تدریس واسطه سازد در صفحه سوم آموختگی طفل بمکتب فابریکه و صنعت خانه و لا بر اتوار های مختلف دقت آن را ادامه دهد.

دقت لاقیدانه، در طفل بیشتر از سال خوردگان در شیدان بنظر خورد. در اطفال این حال از فعالیت زیاد راجع بکارهای علاقه مند مثل بازی و جنبش پیدا شود. تعب ذهنی بترسب سوم فی دقتی و لاقیدی است.

اسباب تعب ذهنی بسیار است: (۱) تعب ذهنی در اطفال از سبب آنست که چون قوت در دقت کردن ندارند مابده شوند. (۲) سبب دوم تعب ذهنی همین محرکهای بدنی در حین (۷-۸) سالگی و در حین (۱۳ و ۱۴) سالگی و شانزده سالگی است این بحران تمامستعد میسازد طفل را بتعب ذهنی. (۳) تعب ذهنی در هر شخص جدا گانه اجرای صوت نماید. (۴) سبب مشغولیت بیش از چاشت نسبت به بعد از چاشت و بعد از آن کمتر تعب عارض کند. (۵) اگر موضوع تبدیل نکند و یک فکر و مشغله دوام نماید تعب ذهنی میبارد چنانچه یک ساعت قرائت کمتر مانده کند نسبت به یک ساعت تحریر و انشا. خلاصه دوام تعب ذهنی دماغ را خراب کند و اطفال را قبل از سن (۷-۸ سالگی) بخواندن و نوشتن شروع نموده چیر کردن حیات طفل را محو میکند.

- (۱) معلم حتی الامکان اشیا و مواد عیانی تدریس بکند هر گاه
تربیه بواسطه وقت
میسر نشد بواسطه نمونه و رسم و فعالیت دست و پا و حواس
- (۲) مری طفل را در باعجه و کارهای که سبب چستی و چالاکتی
تدریس بنماید
- (۳) معلم علاقه اطفال را در نظر
آن مثل بازیهای تربیوی تدریس و تربیه بنماید.
- (۴) در موضوعیکه حیاتی و حسی
گرفته باصول مشخص و حدس تدریس بکند.
- (۵) فعالیت طفل را بواسطه
نیست علاقه های صنعی پیدا کرده تدریس بنماید.
- (۶) اطفال را زیاده متهیج و متاثر بنماید کرد.
تغیر موضوع و تنوع مناظر نامین بنماید. در صنفهای کوچک درس را نه به تقریر
بلکه در ضمن مثالهای محیطی و فقره های بافته خود آنها باید اجرا کرد.
- (۷) استراحت روح و بدن اطفال را اعمال بنماید نمود صنف هوادار
از توییح و زجر حیثیت شکن باید اجتناب نمود از نشو و یقه های مکرر نیز برهیز
و برضیا نهیه چوکی و مبرز مطابق سن و جنس ایشان باید انتخاب کرد. (۸) در تقسیم
اوقات درسهای مشکل را در اول وقت و آسان را در آخرهای وقت باید گذاشت.
- زمان جامع علوم اسلامی
- 